

چه کسانی مقصران واقعی حادثه تلخ آبادان هستند؟

امضاهای آلوده پای فاجعه متروپل

فازنه سادات یوسفی | روزنامه‌نگار

حادثه آبادان بسیار تلخ است و آنچه تلخ‌ترش می‌کند، مواجهه ابزارهای عده‌ای فرصت طلب با این غم جانگناه است. درست در زمانی که تمرکز مسئولان و دست‌اندرکاران باید از یک سو روی مدیریت حادثه و کاهش تبعات احتمالی آن باشد و از سوی دیگر مقصران حادثه شناسایی و به مجازات آنها رسیدگی شود، برخی اشخاص و جریان‌های سیاسی به دنبال آن هستند تا با انحراف واقیعت و با سوءاستفاده از نارضایتی، اعتراض و خشم به جای ملت ایران از مقصران حادثه، متهمین واقعی را برتر نه سازند و در عوض کسانی را مقصر جلوه دهند که کوچک‌ترین نقشی در حادثه نداشته‌اند. تلاقی نام‌رضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی با احساسات جریحه‌دار شده مردمی دستاویزی برای منفعت طلبان گشته تا فضای رسانه‌ای را گل‌آلود کرده و افکار عمومی را در راستای اشاعه مطالب ناصحیح خود برهم‌زنند. بخش‌های زیادی از جامعه ممکن است به خاطر ناآگاهی از جزئیات و عدم اطلاع کافی مطالبی را بنویسند و بیان کنند که جای مؤاخذه از آنها نیست؛ زیرا بر اساس اطلاعاتی که در دسترس دارند تصمیم می‌گیرند؛ اما جای تعجب از برخی فعالان سیاسی است که خود به طو کامل از ماجرا آگاهند و حتی شاید به نوعی مقصر وضع موجود باشند؛ با این حال خود را کنار کشیده و سعی دارند با مهم کردن صدر تا ذیل حاکمیت دیگرانی را مهم کنند که کوچک‌ترین نقشی در موضوع حادثه نداشته‌اند. در ادامه این موضوع بیشتر توضیح داده خواهد شد:

از همان لحظات اولیه پس از وقوع حادثه ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شد که نشان می‌داد در شهرستان آبادان که در قالب ساختمان‌سازی فعالیت داشته، تقدیر به عمل آمده است. اما نکته قابل تأمل آنجا است که هیچ کس نپرسید چه کسانی از وی تقدیر کرده بودند و اساساً عده‌ای سعی داشتند چنین القا کنند که عبدالباقی دست پرورده حاکمیت بوده است؛ در حالی که اگر سیر منطقی ماجرا را دنبال کنیم، متوجه می‌شویم که اولاً تمام پروژه‌های عبدالباقی در سطح دولتی قابل تعریف هستند و نه در سطح حاکمیتی. او به عنوان یک سرمایه‌گذار بخش خصوصی که احتمالاً توانسته بخش‌هایی از بدنه‌های اجرایی نظیر شهرداری را به شیوه‌های مختلف با خود همراه سازد، باید فهمیده شود.

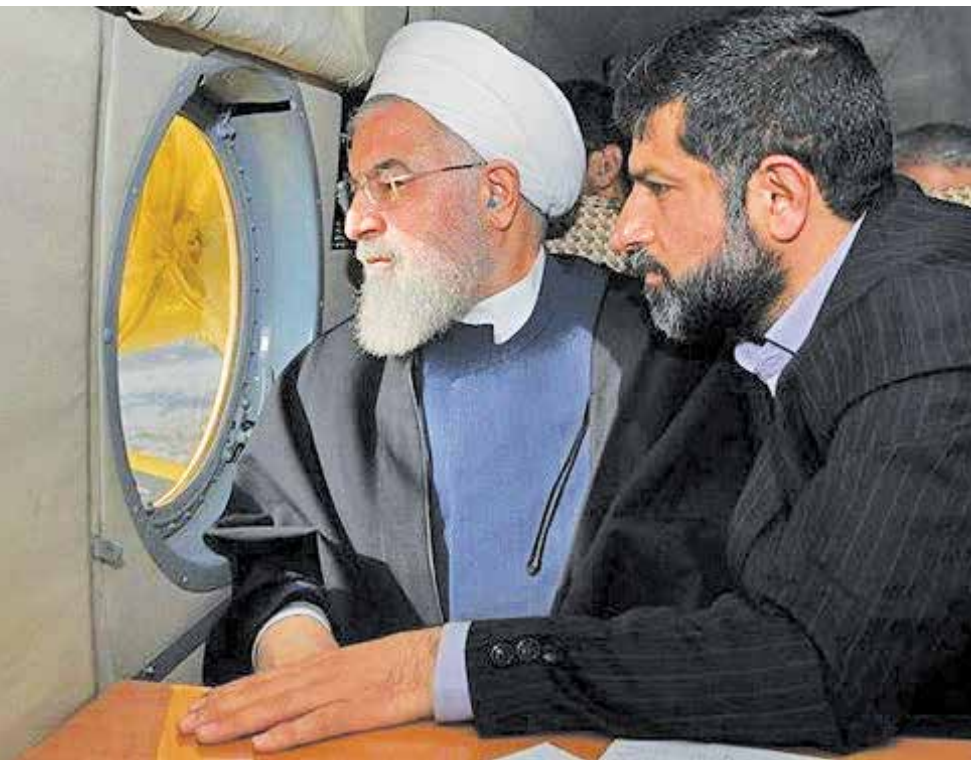
از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت دولت قبل در سال ۹۷ تدبیرش چهره ماندگار صنعت به عبدالباقی اهدا شد. این در حالی بود که این ساختمان بر مبنای اصول مهندسی و امنیتی ساخته نشده بود و حتی به گفته سرپرست سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور پروانه احداث ساختمان متروپل، خارج

از تأیید و نظارت قانونی سازمان نظام مهندسی انجام گرفته و حتی با توجه به هشدارهای متوالی این سازمان، مسئولان مربوطه و شهرداری آبادان اعتنایی به انجام تخلفات صورت گرفته نداشتند. در این میان حضور مقاماتی چون استاندار پیشین خوزستان در افتتاحیه طرح سازمان مشابه نشان می‌دهد که تخلفات و رانت در ابعاد بزرگ‌تری انجام گرفته است. بنابراین اگر قرار باشد تمام افراد مقصر در این حادثه شناخته شوند، در بدنه اجرایی همین دوره‌ها باید عاملان حادثه را جست‌وجو کرد. اما گروه‌های ذکر شده و در رأس آنها برخی چهره‌های سیاسی مخالف دولت و مقامات دولت قبل بعد از این اتفاق سعی کردند به طور بسیار برجسته‌ای ضمن تیرنه خود از این اتفاق، خود را در کنار مردم و در صف مطالبه‌گران فساد رخ داده در این پروژه قرار دهند. آنها سابقاً نیز با موضعی که در قبال دولت روحانی در زمان انتخابات داشتند بخشی از عاملان وضع موجودند و اکنون نیز سعی می‌کنند که تمام ناکارآمدی‌هایی را که تا عمق جامعه نیز احساس می‌شود تنها به دولت سیزدهم که هنوز چندان مدت از روی کار آمدن آن نمی‌گذرد، گره‌زنند. این عده، اکنون با

کلی‌گویی و مبهم‌گویی به مقصران اصلی اشاره‌ای ندارند، چرا که خود نیز در مظان اتهام قرار می‌گیرند تا جریان سیاسی خود را از سقوط این اتفاق نجات بخشند. در صورتی که این موضوع در دولت متبوع آنها از حمایت‌های مختلف برخوردار بوده است و خود نیز در آن متهم هستند.

■ **چه کسانی از غم مردم خوشحالند؟**
 اما مسأله قابل تأمل، رفتار برخی گروه‌های غرض‌ورز داخلی است که با موج‌سواری بر احساسات و نارضایتی‌های مردم از این اتفاق برای مقاصد خود استفاده می‌کنند. محمد خاتمی در روزهای گذشته اعلام کرده درد و رنج تاسوس‌ز آنگاه است که سانحه و حادثه به «فاجعه» بینجامد و دردآورتر آنکه حادثه و سانحه ناشی از قصور و تقصیر افراد و یا نهادها باشد. این جملات کلی همانند سایر پیام‌های کلی قبلی رئیس جریان اصلاحات نه تنها ردی را دوا نمی‌کند، بلکه احساسات جامعه را بیشتر جریحه‌دار می‌کند؛ جملاتی غیرمسئولانه و تنها از سر رفع تکلیف که بیشتر جنبه فرافکنانه دارد. آیا آقای خاتمی هیچ گونه اظهارنظری درباره فرایندهای اجرایی دولت قبل ندارد؟ آیا روال‌های بوروکراتیک حاکم بر دولت قبل را تأیید می‌کند؟ اگر تأیید می‌کند که خود بخشی از عاملیت این حادثه است و اگر تأیید نمی‌کند، پس چرا هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال آن دولت و اقدامات و عملکرد ضعیفش برای خود تعریف نمی‌کند؟ مگر نه این است که جریان دوم خرداد با موج‌سواری بر نارضایتی مردم از سایر کاندیداها چهره‌هایی وحشتناک ساختند و روحانی را تنها گزینه مطلوب جلوه دادند؟ اکنون چه کسی باید در قبال ناکارآمدی‌ها و اشتباهات فاحش دولت روحانی که ناشی از سوءمدیریت وی و شکست احزاب سابق به دست آوردند؟

روزنامه اصلاح‌طلب اعتماد می‌نویسد که مدیریت‌های ضعیف که تنها براساس رابطه‌های سیاسی و حتی فامیلی و آشنایی تعیین می‌شوند حتی اگر آغشته به فساد نباشند زمینه فساد را به‌وجود می‌آورند و فساد چون یک سرطان



موجود باید رسیدگی شوند. رئیس شورای عالی استان‌ها نیز از بررسی ابعاد فاجعه در این شورا خبر داده و گفته در تهران ۱۲۹ ساختمان بسیار پرخطر داریم که مانند یک سونامی تکران‌کننده برای پایتخت هستند و باید برای آن‌ها فکری کرد.

به بیان دیگر دولت سیزدهم در اولین اقدام، خود را در کنار مردم آبادان قرار داد و ضمن همدردی آنها با بازدید میدانی سعي در کشف تمام زوایای این واقعه داشت. این حادثه که می‌رفت محلی برای استفاده رسانه‌های خارجی باشد با واکنش به‌موقع و پوشش میدانی مؤثر دولت مانند واقعه هک کارت سوخت داشته. این حادثه که می‌رفت محلی برای استفاده رسانه‌های خارجی باشد با واکنش به‌موقع و پوشش میدانی مؤثر دولت مانند واقعه هک کارت سوخت داشته.

این اجازه را به آن‌ها داد و آن را بستری برای تبدیل اعتراض و تجمع معاندین نکرد. مردم نیز همدردی و همراهی دولت و مقامات کشوری (قوه قضائیه و

از همان لحظات اولیه ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شد که نشان می‌داد از عبدالباقی مدیر

هدینگ عبدالباقی در شهرستان آبادان که در قالب ساختمان سازی فعالیت داشته، تقدیر به عمل آمده است؛ اما نکته قابل تأمل آنجا است که هیچ کس نپرسید چه کسانی از وی تقدیر کرده بودند و اساساً عده‌ای سعی داشتند چنین القا کنند که عبدالباقی دست پرورده حاکمیت بوده است؛ در حالی که اگر سیر منطقی ماجرا را دنبال کنیم، متوجه می‌شویم که او به عنوان یک سرمایه‌گذار بخش خصوصی که احتمالاً توانسته بخش‌هایی از بدنه‌های اجرایی نظیر شهرداری را به شیوه‌های مختلف با خود همراه سازد، باید فهمیده شود

مسأله رسیدگی شود که دیگر تکرار نشود، چرا که مردم را جریحه‌دار کرده است. وزیر کشور هم ضمن بازدید از محل حادثه متروپل از تقسیم کار نهاد‌های اجرایی خبر داد و عنوان کرد که کارها با شدت، پیرو دستورات مقام معظم رهبری و تأکید ریاست محترم جمهور انجام می‌شود. بحث اول ما آواربرداری است و بحث دوم خطرزدایی و رسیدگی به خانواده‌های داغدار که الان در این

مرحله هستیم و مراحل بعدی بنا به بررسی‌های کارشناسان متخصص است. او با بیان اینکه در متروپل یک جنایت اتفاق افتاد، افزود: کسانی که برای کسب درآمد بیشتر به‌راحتی با جان مردم بازی کردند هیچ وقت قابل گذشت نیستند و باید درس عبرت شوند، حتماً باید به سایر پرونده‌هایی که در این حوزه و شهر هستند رسیدگی کنیم و همین الان نیز دستور آن صادر شده است و شکایات

بازنمایی نتیجه انتخابات لبنان در رسانه‌های صهیونیستی (مطالعه موردی مرکز تحقیقات آلمان)

افق‌ها و روندهای سیاسی پیش‌روی لبنان

شهباشتی | پژوهشگر

رسانه‌های صهیونیستی همواره تحولات سیاسی، امنیتی و اقتصادی لبنان را رصد کرده و معمولاً اطلاعات و تحلیل‌های خود را از وضعیت لبنان در اختیار دولت‌مردان یهود قرار می‌دهند. انتخابات ۱۵ مه لبنان هم از موضوع مستثنی نیست. اندیشکده‌های صهیونیستی قبل از انتخابات، تحولات لبنان را رصد کرده و تحلیل‌های مختلفی از آرایش انتخاباتی لبنان بخصوص دو جریان ۸ مارس و ۱۴ مارس را ارائه داده‌اند. بعد از انتخابات هم که نتایج ضد و نقیضی از اکثریت انتخابات لبنان بازنمایی می‌شد، اندیشکده‌ها آما به‌صورت دقیق وضعیت آرایش سیاسی انتخابات لبنان و تعداد کرسی‌های دو جریان ۱۴ مارس و ۸ مارس را بررسی کرده و برخلاف همه با وجود اینکه متحد حزب الله و جنبش امل یعنی جریان ملی آزاد به رهبری جبران باسیل، بخشی از کرسی‌های خود را از دست داده، اما این اندیشکده اعتراف می‌کند که حزب الله و جریان مقاومت در لبنان هنوز برتری خود را حفظ کرده است.

■ **نتایج کلیدی و توصیف روندها**

میزان مشارکت در انتخابات لبنان تنها حدود ۴۱ درصد بود. در مقایسه با ۵۰ درصد در انتخابات قبلی ۲۰۱۸ و حدود ۵۵ درصد در انتخابات قبل از آن است. با نظارت معمول بر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، به نظر می‌رسد که انتخابات با بسیاری از حوادث خشونت‌آمیز، بی‌نظمی در صندوق‌های رای، اتهامات جعل، تهدید و انحراف به پایان رسیده است.

پارلمان لبنان ۱۲۸ کرسی دارد. این تقسیم‌بندی براساس قرارداد طائف (۱۹۸۹) است که به جنگ داخلی در لبنان (۱۹۷۵-۱۹۹۰) پایان داد و به نمایندگی مساوی مسیحیان و مسلمانان در پارلمان منجر شد. تقسیم‌بندی به شرح زیر است: ۶۴ کرسی برای مسیحیان در نظر گرفته شده است (۳۴ برای مارونی‌ها، ۱۴ ارتدوکس یونانی، ۸ کاتولیک یونانی، ۵ ارمنی ارتدوکس، ۱ کاتولیک ارمنی، ۱ پروتستان و ۱ اقلیت؛ جوامع کوچک مسیحی). ۶۴ کرسی برای مسلمانان و دروزی‌ها (۲۷ شیعه، ۲۷ سنی، ۸ دروزی، ۲ علوی).

دو جریان شیعی (حزب‌الله و جنبش امل) براساس تعداد دقیق کرسی‌ها (۱۳ برای حزب‌الله و ۱۵ برای امل) را به دست آوردند. در مورد الگوی رای‌گیری پایگاه شیعه، تغییر نمی‌بینیم. اپوزیسیون شیعه، جدای از جناح‌های حزب‌الله و امل، نتوانستند دستاوردی کسب کنند. با وجود

هستند مانند «جنبش جامعه مدنی» که ۱۵ کرسی به دست آورد. همچنین ۱۱ کاندیدای مستقل غیروابسته به احزاب سنتی موفق به انتخاب شدند. آنها کرسی‌هایی را به قیمت شکست احزاب سابق به دست آوردند.

■ **آیا نتایج بر ثبات نظام سیاسی لبنان تأثیر مثبت خواهد داشت؟**

هنوز مدتی طول خواهد کشید تا تصویر سیاسی لبنان تثبیت شود. انشعاب بزرگ در احزاب، اتحادیه‌ها، نامزدهای منتخب که اعلام کرده‌اند به این یا آن اردوگاه ملحق شده‌اند و تغییرات دیگر تا زمانی که بلوک‌ها تثبیت شوند بر وضعیت تأثیر خواهد گذاشت. وضعیت جدید ممکن است اختلافات را تشدید کند و باعث بن‌بست سیاسی طولانی مدت شود.

■ **آیا درخواست سعد حریری مبنی بر تحریم انتخابات معنایی داشت و آیا توانست بر اهل سنت تأثیر بگذارد؟**

با وجود فراخوان برای تحریم انتخابات، اردوگاه اهل سنت در این انتخابات شرکت کردند و به نامزدهای مستقلی که متحد حزب‌الله نبودند رای دادند. با این حال، سعد حریری از این وضعیت سوءاستفاده نکرد و برای یک کاندیدای توافق شده غالب و قوی برای اتحاد با سمیر جعجع تلاش نکرد تا بتوانند با هم به تغییر واقعی منجر شوند.

■ **انتخاب رئیس مجلس چه تأثیری دارد؟**

سمیر جعجع و اشرف ریفی (رئیس سابق سازمان امنیت کل که موفق به کسب دو کرسی شد) به صراحت اعلام کردند که برای یک دوره دیگر از نامزدی نیبه بری (رئیس فعلی مجلس و رئیس جنبش امل) حمایت نخواهند کرد. به‌عنوان رئیس مجلس این یک تهدید بی‌معنی است زیرا نامزد باید شیعه باشد. بنابراین رئیس مجلس از میان نمایندگان حزب‌الله و امل انتخاب خواهد شد. یکی از نامزدهای احتمالی برای جایگزینی نیبه بری، محمد رعد، رئیس فراکسیون «وفاداری به بلوک



جامعه این کشورهاست. برای مثال اگر کسی بخوبی جامعه سیاسی و طایفه‌ای لبنان را بشناسد می‌داند که حزب‌الله و امل کرسی‌های خود را در پارلمان لبنان خواهند داشت. در سویی دیگر اهل سنت و مسیحیان هم به شیوه‌ای دیگر در نظام طایفه ایفای نقش می‌کنند.

براین اساس تقریباً ساختار سیاسی لبنان برنده یا بازنده ندارد، هرچند در داخل پارلمان اکثریت و اقلیت تشکیل می‌شود، اما همان اقلیت قدرت اساسی در نظام سیاسی لبنان دارد. در این انتخابات هم که در ۱۵ مه برگزار شد، وضعیت به همین روال است. حزب‌الله و جنبش امل کرسی‌های خود را حفظ کرده‌اند و این انتخابات تأثیری در قدرت مقاومت در لبنان نخواهد داشت.

حزب‌الله اینجاست که بماند و یک بازیگر بزرگ است نمایش دادن واقیعت به گونه‌ای که ادعا می‌شود حزب‌الله شکست خورده است، یک تصور غلط و نادرست است.

حزب‌الله این قدرت را خواهد داشت که بر همه موضوعات فوق‌الذکر تأثیر بگذارد. در هر سناریویی نمی‌توان و نباید حزب‌الله را به‌عنوان یک بازیگر اصلی سیاسی در لبنان نادیده گرفت

حزب‌الله ادامه خواهد داد.

■ **سخن پایانی**

یکی از اشتباه‌های اساسی در بازنمایی رسانه‌ای تحولات کشورهای محور مقاومت، قرار گرفتن در دامان تحلیل‌های غلط و نادرست و همچنین نبود شناخت